

گفت‌وگو با ناصر فیض شاعر و طنزپرداز درباره نشان ادبی «پارسی جان» و تقدیر از اثرگذاران زبان فارسی

«پارسی جان» نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد

■ سمیه دهقان‌زاده

ناصر فیض می‌گوید به قول امام (ره) که وقتی صحبت جمهوری اسلامی شد، گفت «جمهوری اسلامی ایران» نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد، اینجا هم پارسی جان نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد. اینجا هم پارسی جان یعنی زبان فارسی که جان ماست. با ناصر فیض، ادیب، شاعر و طنزپرداز درباره نشان پارسی جان که گویی قادر است پاسدار زبان فارسی در آثار هنری باشد به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن در ادامه می‌آید.

■ ■ ■

لطفاً کلمتی از «پارسی جان» بفرمایید که قرار است چه کار کند؟ در کدام حوزه حضور پیدا کند؟ اگر عقبه‌ای دارد و دغدغه‌ای که باعث شد شما سراغش بروید، از آن برایمان بگویید، چرا که ممکن است این دغدغه با هویت دفتر پاسداشت در هم تنیده باشد و شاید هم مفهومی باشد جدای از آن. در هر حال می‌خواهیم همه آن را از زبان و بیان شما بشنویم.

شما به عقبه اشاره کردید، دقیقاً همین طور است، شروع این ماجرا به بعد از جشنواره فجر برمی‌گردد، اینکه در روند فیلم‌هایی که در جشنواره فجر نمایش داده شده و در حوزه و شاخه‌های مختلف جایزه و انواع سیم‌رغ می‌گیرند، جای یک چیز خالی بود، آن هم توجه به زبان فارسی بود، نه توجه به مثلاً فیلم‌نامه از لحاظ ساختار یا دراماتیک و...

توجه به کل ماجرای زبان فارسی، از این بعد که چقدر در این فیلم، زبان فارسی ارزش‌گذاری و دیده شده و مهم و دغدغه این فیلم است. به همین دلیل به «فارسینما» رسیدند، اسم با مسمایی هم بود، تلفیق دو اسم با هم (فارسی و سینما).

منتها یکسری مسائل بود که بعدها ما در شورای سیاستگذاری دفتر پاسداشت زبان فارسی، به این نتیجه رسیدیم که این جایزه، نه تنها فقط در سینما، بلکه می‌تواند به فعالیت‌های هنری دیگر هم تعلق بگیرد. چون اگر فقط در سینما باشد باید دفتر ما به گونه‌ای فقط با سینما نسبت داشته باشد و این سؤال می‌توانست پیش بیاید که چرا دفتر پاسداشت زبان فارسی، پاسداشت زبان فارسی را فقط در سینما می‌بیند و همین مسئله با وجود گستردگی هدفگذاری که کرده بودیم که چه کارهایی می‌تواند در سطح کشور انجام دهد که تاکنون (به هر دلیل) در کشور انجام نشده است، می‌توانست برای ما ضعف تلقی شود و روی این حساب «فارسینما» با توجه به توضیحاتی که دادم، دیگر اسم با مسمایی نبود.

بنابر این همه اینها دست به دست هم داد که عنوان را یک عنوان همه گیرتر بگذاریم تا بتوانیم در آینده که در رشته دیگری هم این انتخاب را داشته‌یم، این اسم پاسخگو باشد، اسم عام باشد، رأس هرم ما این اسم باشد برای شاخه مختلف که به «پارسی جان» رسیدیم.

«پارسی جان» می‌تواند به حوزه مکتوب تصویری، رسانه جمعی، شخصیت‌ها، جایگاه‌های کلان کشوری، مجموعه‌ها، ارگان‌ها، حتی در شبکه‌ای تلویزیونی که می‌تواند شامل همه باشد، بعدها به این نتیجه رسیدیم اگر به آن نشان پارسی جان بگوییم شاید بالاتر از جایزه باشد، چرا که نشان به لحاظ معنا بالاتر است.

پس با مشورت با دوستان و همه اعضای دفتر که تأثیر گذارد مثل آقای صالحی، توسلیان و دوستان دیگر، به این نتیجه رسیدیم که این اسم، اسم جامعی است و می‌تواند این ماجرا با این اسم ادامه پیدا کند، یعنی اگر می‌گوییم اسامی چندمین دوره، دیگر حساب نکنیم که چندمین دوره چه و کجا بگوییم از وقتی در حوزه هنری شروع شده است، مثلاً ما سه دوره بر گزار کرده‌ایم.

هر چند سابقه هم دارد و مثلاً دو دوره هم در جایی دیگر بر گزار شده که آقای صالحی و دوستان دیگر در جریانش بوده‌اند، اصلاً کار آنجا جرقه خورده، حال بعدها اتفاقاتی افتاده و قرار شده از دفتر پاسداشت زبان فارسی، کمی جدی‌تر و با نگاه کشوری و ملی‌تر به آن داشته باشیم، چون اول ماجرا بوده مثل خیلی از اتفاقات دیگر، کمی طول کشیده است به نظر ثابت جمعی برسیم.

آن هم دلایلش وسواس بیش از حد ماست، خیلی‌ها هستند که همین اتفاقات را رقم می‌زنند منتها اینقدر وسواس ندارند، ما می‌گوییم اشتباه نکنیم، جامع باشند، این اسم را بعدها جابه‌جا نکنیم و در نهایت و با دوستان به عنوان نشان پارسی جان رسیدیم که آن را را فعالیت‌های مختلف تأثیر گذار و ویژه در حوزه گسترش زبان فارسی اهدا کنیم.

و فکر می‌کنم که الان دلیل خاصی وجود نداشته باشد که روزی بخواهیم تغییر خاصی به این اسم دهیم.

«پارسی جان»، به قول امام(ره) وقتی صحبت جمهوری اسلامی شد، گفت «جمهوری اسلامی ایران» نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد، اینجا هم پارسی جان نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد است. اینجا هم پارسی جان یعنی زبان فارسی که جان ماست و باید صیانت شود.

«پارسی جان»، این ترکیب به لحاظ نگاه از زبان فارسی درست است؟ یعنی ما جان را به فارسی نسبت می‌دهیم یا پارسی که خیلی دوستش داریم یا پارسی که جان ماست.

همه اینها می‌تواند باشد. اتفاقاً اگر این طوری باشد که شما این فکر را کنید، دیگری یک فکر دیگری کند و فرد دیگری فکر دیگری به نظر من بهتر است.

ما در شعر چیزی به اسم ایهام تبادُل داریم. این ایهامی است که یکدفعه معنای دیگری هم به ذهن شما متبادر کند.

بعضی‌ها هم وسواس بیش از حد در مورد کلمات دارند، مثلاً ممکن است یکی به نظرش برسد که کلمه «جان» هم ممکن است فارسی نباشد، در حالی که بعضی کلمات مانند سلام انقدر در زبان فارسی حل شده است، ممکن است اصلاً حس نکنیم که ریشه آن کجاست و به نظر شخصی من حساسیت مثلاً بین برخی کلمات، مثلاً سلام و درود خیلی خوشایند نیست.

اینقدر در زبان فارسی جافته‌اد که می‌توان از هر دو استفاده کرد.

اصلاً مشکل زبان فارسی، لغت‌هایی که وارد زبان فارسی شده است، نیست. هر جا هر اتفاقی می‌افتد در این مملکت، اولین چیزی که سراغش می‌روند، فکر می‌کنند ما داریم از ۱۰۰، ۲۰۰ و ۵۰۰ لغتی که از یک زبان دیگر، وارد زبان فارسی شده لطمه می‌خوریم و آن دارد مملکت ما را نابود می‌کند، نه این طور نیست.

ما وقتی از زبان فارسی حرف می‌زنیم یاد آقای جلودار یان می‌افتیم که می‌رود جاهای مختلف و مسئولان را مورد سؤال قرار می‌دهد که چرا مثلاً گفتی کامپیوتر، چرا انگشتی را یانه؟ حال سؤال من این است که آیا مسئله پارسی جان یا دغدغه دفتر پاسداشت این است که حالا مثلاً یکسری کلمات هست که آنها را فارسی بگوییم یا می‌خواهد یک

«پارسی جان» می‌تواند به حوزه مکتوب تصویری، رسانه جمعی، شخصیت‌ها، جایگاه‌های کلان کشوری، مجموعه‌ها، ارگان‌ها، حتی در شبکه‌ای تلویزیونی که اقدامی در خور انجام داده و... توجه کند، پس جایزه پارسی جان می‌تواند شامل همه باشد. بعدها به این نتیجه رسیدیم اگر به آن نشان پارسی جان بگوییم شاید بالاتر از جایزه باشد، چرا که نشان به لحاظ معنا بالاتر است

معادل فرهنگستان آقای حداد عادل را بر پا کند، دفتر پاسداشت می‌خواهد این کار را کند و هدف «پارسی جان» به صورت خاص این است؟

این یکی از هزاران دغدغه دفتر ما می‌تواند باشد. به این هم بی‌توجه نباشیم اگر یک جایی بینیم کلمه‌ای که مال ما نیست دارد جـا می‌افتد درباره‌اش موضع بگیریم، ولی هدف دقیق و درست ما چیز دیگری است.

پس دفتر پاسداشت یا پارسی جان، دقیقاً دنبال چیست؟ پارسی جان اگر دنبال این نیست که واژه گرینی و جانشانی کند و بگوید در این فیلم فلان واژه را انگوییم، پس چه چیز را در این فیلم بانمایش دنبال می‌کند؟

شما به ساختار درست زبان فارسی توجه داشته باشید می‌بینید کلمه‌ها هر کدام نشانه‌ای است برای معنایی، علامتی است برای چیزی.

اگر ما به هر دلیل به این گفتیم استکان، این حروف در کنار هم قرار گرفته و تبدیل به کلمه شده است و بر چنین جسمی دالت می‌کند و این یک طرف ماجراست.

طرف دیگر ماجرا این است که از این نشانه‌ها که تبدیل به جمله، بخش، روایت، داستان، نمایشنامه و فیلم‌نامه می‌شود، روی مخاطب چه تأثیری می‌گذارد، چطور، جان آن کلمه را به نفع چیزی که می‌خواهیم بگوییم، بگیریم، دیگر ربطی به این ندارد که کلمه‌ای از خارج وارد شده باشد. آن یک بخش از ماجرا است، اصلاً

از همین کلماتی که داریم چگونه استفاده می‌کنیم. چگونه درست حرف می‌زنیم، چطور کلمات درست را به کار ببریم. چطور ترکیبی در اینجا بجاست که به کار بریم و چطور ترکیبی که غلط است و به اشتباه جا افتاده را بگوییم. وقت مردم را با جملات بی‌ربط، بی‌خود، کم تأثیر و بی‌تأثیر نگیریم. یا چه کلمه‌ای چه تعبیری را بین مردم جا بیندازیم تا مردم به چیزی که باید، توجه کنند. یک زبان‌دان

باید چه کار کند که مردم بفهمند که مثلاً کلمه دشمن یعنی چه؟ روی دشمن چگونه مانور دهیم که این کلمه برایش معنا و فرهنگ و تعهدی پشتش باشد و برخوردی با این کلمه برای این آدم نیاز باشد، اینها همه که ربطی به این ندارد که صرفاً برای کلمه‌ای

گذا شتن نگرانی است چند زبان بگویند کلمات معادل، یک که جایی مشکل از شناس بیابند بیابند برخی کلمات را

را بحث زبان، زبان شناسی، نشانه شناسی و زیر مجموعه زبان می‌تواند تعیین کند که بخشی از آن کار حرفه‌ای‌های این کار است. در جایی (یک تئوتیت) خواندم که نوشته بود، عربی زبان امت اسلام است و فارسی زبان نهضت و انقلاب است.

این بحث را با خانم «عایده سرور»- راوی کتاب عایده که خودشان در مجموعه حزب‌الله هستند- مطرح کردم. ایشان گفت سید حسن نصرالله همیشه به ما توصیه می‌کرد که شما دو زبان یاد بگیرید، یکی فارسی و دیگری چینی و این نکته برای توصیه به فراگیری زبان فارسی برایم جالب بود.

در هر حال این نکاتی که شما فرمودید، اگر بخواید در قالب یک جشنواره پیاده شود، متر و معیاری هم دارد؟ یعنی سنگ محکی که شما با آن آثار را می‌سنجید، چه چیزهایی است؟ و اینکه بر اساس چه معیارهایی اثری را شایسته اهدای این نشان می‌دانید؟

هدف اصلی دارد و آن تقدیر از کسانی است که در حوزه گسترش زبان فارسی فعالیت ویژه و تأثیر گذار داشتند، هر کس ادعای این فعالیت را دارد ولی اینکه چقدر این فعالیت تأثیر گذاشته است، فقط بر گزاری جشنواره کافی نیست. این جشنواره چه بازدهی داشته است، اگر بر گزیدگانی داشته، بعداً با این برگزیدگان چه کار کردیم؟ رهایشان کردیم رفتند دنبال کارشان یا با آنها کار داریم. به آنها گفتیم شما در این حوزه بر گزیده‌اید، می‌خواهیم به آن آدم‌ها رجوع کنیم و پیگیر آنها باشیم و با آنها کار داشته باشیم، چنین هدفی داریم.

هدف برگزاری خاص نیست که صرفاً معرفی کنیم. اینکه امیدوار باشند جایی است که آنها را دیده، به آنها توجه کرده، از آنها تقدیر کرده و بعد از این هم با آنها کار دارد، قطعاً آن وقت این‌هم فکر و ایده‌های مختلف خواهند داشت و به اینجا می‌آیند و به نظر من اتفاقات خوبی می‌افتد.

هدف دیگر این است که اگر یکی، عده یا مجموعه، جایگاه کلان کشوری فعالیت و رفتاری دارد که به زبان ربط پیدا می‌کند - این فعالیت و رفتار هر چه می‌تواند باشد- این فعالیت و رفتار چقدر مخاطب از قشرهای مختلف مردم- چه از لحاظ فکری چه از لحاظ دانشی - جذب می‌کند؟ چقدر جریان ساز است؟ چقدر عامه مردم و چقدر خواص را جذب می‌کند؟ چقدر توانستند به زبان کمک کنند؟ چقدر توانستند زبان را نجات دهند؟ یا در این راستا پیشنهادهایی دادند که پیشنهاد درخشان و خوبی است و اینکه چقدر توانستند یاری کنند که ایده‌شان تأثیر گذار باشد. آیا فقط حرفی زدند و گذشته یا ما در جامعه تأثیر آن را می‌بینیم و این مهم است.

استاد! این قابل سنجش است؟

بله، می‌شود فهمید، مثلاً چیزی مثل «گنجور» یا «آمیرزا» که یک بازی است. ما تا الان خیلی بازی داشتیم آیا این «گنجور» در حد یک بازی ماند یا کاری در حوزه زبان فارسی انجام داد.

زمانی جدول کلمات متقاطع در بعضی روز نامه‌ها و مجلات می‌گذاشتند، خیلی کار درستی بود که بعضی این را رد کردند ولی روز نامه‌های حرفه‌ای مثل اطلاعات و کیهان همیشه داشتند.

بسیاری از راننده تاکسی‌ها که با یکسری چیزها آشنا هستند، شما با بعضی از آنها گپ بزنید می‌بینید خیلی چیزها بلندن، یکسری کلمات و معانی آنها را بلندن. یکسری کلمات خارجی را بلندن، یکسری مکان‌های جغرافیایی را می‌شناسند، اسم تمام رودخانه‌ها و کوه‌های جهان را می‌دانند، کلمات عربی را می‌دانند. این خیلی مهم است که جدول کلمات متقاطع توانسته است یک نفر را اینقدر دغدغه‌مند کند و کلمه یاد بگیرد، این آدم وقت حرف زدن دیگر نمی‌آید بگوید راجع به این آدم در این جدول اینقدر این کلمه را دیده، حل کرده و نوشته که می‌داند. درست آن راجع به است نه راجع به. بسیاری از راننده تاکسی‌ها را دیدم که یک جدول حل نشده در ماشین‌شان گذاشته و معلوم است وقتی منتظر مسافرانند، دور دِیف از آن را هم حل می‌کنند.

یا در مورد بازی «آ میرزا»، ببینیم آیا این بازی توانسته است در سطح وسیع چنین حرکتی کند که هم سرگرمی باشد که وقت تلف کن نباشد و اصلاً تو چه روایتی از اعتقادات به عنوان جمهوری اسلامی مطرح می‌کنی،

برای داخل ایران و برای جهان داری، خودت یکسری چیزها را به عنوان

فرهنگی می‌پذیری، اما برای فرهنگ، دیگر چه داری. همه اینها

چیزی مثل گنجور می‌تواند داشته باشد تا حدودی قابل اعتماد است. الان